



شماره دوازدهم اول جدی ۱۳۳۷ سال شانزدهم

احمد علی کهزاد

چین

هنوز يك هفته پوره نشده است كه از چين برگشته ام و باهر كه واجبه ميشوم خواهی نخواهی بايد چند كلمه ئی را جمع به این کشور بگویم یا نژده روز در چين مدت زيادى نيست و چون مسافرت هم با طياره آنهم طياره جت صورت ميگيرد مسافر هر قدر ادعا بكنند باز هم چيز كمی ديده و چون عصر مسافرت ماركوپولو و يا ايلچی های تيموريان هرات كه سه سال را وقف رفت و آمد خا نبالغ (پينگن) كردند سپری شده است همين مسافرت های كوتاه هم در شنا سائی متقابله مردم و ملل خالی از فوايد زياد نيست .

امروز از بس افكار و اندیشه متوجه مغرب زمین شده خاك های مشرق عقب پرده های خاموشی و فراموشی افتاده و بعد بمسافه كه بواقع زياد است زيادتر شده به نحو يكه بيشتر نقاط مشرق زمين در نظر ما كه خود اهل مشرق هستيم و نقریباً در آستانه آسيای مركزی مسكن داريم يا اسكلی مجهول و باطوری دور افتاده معلوم ميشود كه كوفی در ماورای حدود خواب و خيال قرار دارد .

به استثنای جاپان كه از ۶۰ سال باينطرف در اثر تكان بسيار شديد خود را بيدار ساخته و عقب قافله مدنيت غربی را گرفته و در جنگ های بزرگ بين المللی شامل شده و نامش با توليدات صنعتی همه جا بلند آوازه گرديده

بقیه خاک های آسیای خاوری تارستان خیز جنگ دوم جهانی برخی در زیر
پرده استعمار و برخی در کشمکش های داخلی طوری گرفتار و گمنام افتاده
بود که نه خود آرای معرفی خود را داشتند و نه کسی به موجودیت آنها
و قعی می گذاشت .

یکی از کشور هائی که بطرف شرق افغانستان افتاده و صحیح تر بگویم
در گوشه شمال شرق از راه دهلیز واخان در دامنه های شرقی پامیر با آن
چند کیلومتر سرحد مشترک داریم چین است که ۱۷۱۵۵۱۰ میل مربع وسعت
خاک آن است ، بیش از ۶۵۰ میلیون جمعیت دارد و هر هفته برابر جمعیت شهر کابل
و هر سال برابر جمعیت افغانستان بر تعداد باشد گمان آن افزوده میشود .

خاک چین مر کب از سلسله کوه ها ، فلات مر تفعه و جلگه های هموار
و پهناور است و حاصل خیز ترین و پر جمعیت ترین نقاط آنرا حوضه های
دورودخانه بزرگ (رود زرد و رود یانگسی) تشکیل میدهند که در وسط
چین بین النهرین عظیمی بمیان آورده است .

چین سرزمینی است زرخیز و یکی از کهن ترین های
اولیه رهایش بشری محسوب میشود و آثار زندگی گمانی بشری تا ۵۰۰ هزار سال
قبل از حوالی قریب بیکن بدست آمده است تاریخ چین از دوره مغاره نشینی
گرفته تا دوره های نیمه تاریخی و نیمه داستانی و دوره های حماسی و اعصار
تاریخی سلاطین های (هان) (تانگ) (سونگ) (منگ) (مانچو) و غیره
که هر کدامی چهار صد سال و سه صد سال و دو صد سال دوام کرده است تا ۹ سال
اخیر که فصل جدیدی در زندگی این کشور کهن باز کرده است همه روشن
است که اینجانبان کاری نداریم جز بیک لحاظ آنهم از نظر مقایسه و مطالعه
بعضی آثار و مسائل فرهنگی و هنری با دوره های مقاله در افغانستان که عجلتاً
در نگارش این چند سطر مختصر از بنهم صرف نظر میکنیم زیرا همین مقایسه بعضی
آثار و صحبت از علایق بازرگانی فرهنگی و هنری افغانستان و چین در بعضی
از دوره ها مطالعه عمیق تر بکار دارد و نگارش مقاله ها را ایجاب میکنند .

هیئت فرهنگی افغانستان در مدت ۱۵ روزه اقامت خود در چین یک هفته را وقف پیکن و ماحول نزدیک آن تا شعاع ۱۲۰ کیلومتری نمود و در طی هفته دوم از پیکن تا کانتون در طول سه هزار کیلومتر در جنوب چین از چند ولایت گذشته و چندین شهر و نقاط عرض راه را از قبیل (سیان) (لویان) (لانگمن) (چنچو) (کانتون) دیدن کرده است.

پیکن در جلگه قرار گرفته که ۱۶۵ فوت بیشتر از سطح بحر بلندی ندارد. نزدیکترین رشته‌های جبال بطرف غرب شهر افتاده و دیوار کبیر چین در عقب همین رشته و ها قرار دارد و چون فاصله آن از شهر و در حد ۹۰ کیلومتر است از بعضی نقاط بلند پیکن هم معلوم میشود.

هیئت فرهنگی افغانی در یک هفته اقامت خود در پیکن از قصور سلطنتی عصر منگ که معاصر با تیموری‌های هرات فییاشد و امروز قسمت زیاد آنرا موزه ملی چین اشغال کرده است از پوهنتون پیکن از اکادمی هنری‌های زیبا از کانتون انتشارات السنه خارجه از یک سلسله باغ‌های بهاری و تابستان و از یک عده کاخ‌ها و گردشگاه‌ها و کبیر چین و ارگامگاه پادشاهان دودمان منگ مخصوصاً مقبره (یونگ لو) پادشاه بزرگ آن سلسله که با شاهرخ میرزا پادشاه تیموری هرات تعلقات دوستانه برقرار کرده بود دیدن نمود. دو دمان منگ بین ۱۳۶۸ و ۱۶۴۴ در حدود ۲۷۶ سال در طی قرن‌های ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ سلطنت کرده است و قرار یگه دیده میشود ایشان در یک حصه وقت معاصر با تیموری‌های هرات ما بودند و خصوصاً میان شاهرخ میرزا و پسرانش بالغ بیگ میرزا و میرزا باسنفر و دای منگ خان (یونگ لو) روابط دوستانه برقرار شده و در نیمه اول قرن نهم هجری (نیمه اول قرن ۱۵ مسیحی) هیئت‌های حسن نیت و ایلچی‌ها به کرات میان خان بالغ (پیکن) و هرات مبادله شده است و مولانا کمال الدین عبدالرازق سمرقندی در جلد دوم مطلع السعدین، مجمع البحرین خود از زیان غیاث الدین نقاش هراتی که خود در یکی از هیئت‌های حسن نیت شام بود

و از طرف بایسنقر میرزا اماموریت داشت که سفر نامه خود را از هرات تایپکن
بنویسد و از زبان دیگران انعکاس خاطرهای هیئت‌های ایلچیان دربار
تیموریان هرات را به چین بگوش مامیرسانند.

بحث در اطراف روابط دربار تیموریان هرات و دربار (تای منگ)
یعنی (منگ‌های بزرگ) مقاله‌ها و رساله‌ها می‌خواهد که اینجامجاله و گنجایش
آن نیست قبل از اینکه از افغانستان حرکت کنم یادداشت‌هایی از مطلع‌السعدین
با خود گرفته و مخصوصاً آنچه غیاث‌الدین نقاش هروی بعد از اقامت
۵ ماهه در پیکن دیده بود همه را به دقت خوانده و یادداشت‌هایی با خود
داشتم.

نوشته‌های نقاش هراتی را جمع به قصدای منگ خان و شرحی که را جمع
به بارگاه (بونگ‌لو) و صورت پذیرا ئی ایلچیان و غیره نوشته بود کمال
اهمیت داشت و آنچه را که نامبرده نوشته بود و جب به جب در داخل میدان
های سنگ فرش و حویلی‌ها و باغچه‌ها و داخل بارگاه شاهان منگ مشاهده
میکردیم و خوشبختانه تخت‌ها و کرسی‌ها باصراحی‌های چینی و ظروف بزرگ
مفرغی مخصوص دود کردن بخور و غیره تا حد زیاد هنوز موجود است و خود
تصور می‌توانید که هیئت فرهنگی افغانی با خواندن یادداشت‌های پنجصدساله
یکی از هموطنان شان و دیدن گوشک‌های سلطنتی پادشاهان منگ چقدر
خوشی و مسرت احساس می‌کردند. *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

از حسن اتفاق مقدم بر ورود هیئت افغانی سینه پیکن در محل آرامگاه
(بونگ‌لو) دخمه‌ئی کشف کرده و در دخمه سینه تعداد هنگفتی
ظروف طلا و مرتبان‌ها و خم‌ها و صراحی‌های چینی آن عصر را باصدها پارچه
و ادوات بسیار نفیس دیگر یافته‌اند که همه را در نقاره‌خانه دروازه
شمالی ارگ سلطنتی به غرض نمایش گذاشته و روز اخیر اقسامت
در پیکن از انهم دیدن کردیم بهر حال شرح تمام جاساها و نقاطیکه
هر يك هفته در پیکن دیدیم زیاد است در طی هفته دوم مسافرت خویش



هیوان - تسنگزایر چینی که بعد از مسافرت
به افغانستان و هند با مجموعه نئی از آثار
واستاند به شهر (سیان) در چین مراجعت
کرده است.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در چین که در طول سه هزار کیلومتر در حصص جنوبی آن کشور گذشت
از شهرهای مختلفی که نام گرفتیم گذشتیم و در آنها توقف کردیم.
درین شهرها از همه بیشتر شهر (سیان) جلب توجه کرد و از همه جا
وقت ما درین شهر تاریخی خوش گذشت. شهر سیان یکی از شهرهای
تاریخی چین است که در عصر (تانگ) معاصر ظهور دین فرخنده اسلام
در افغانستان در طی دوسه قرن اول هجرت پایتخت چین بود و چون
ائین بودائی تاحدی زیاد در اثر فعالیت های مبلغان و راهبان کند هازی
و کاپیسی و غیره در خاک چین در طی چند قرن گذشته بخش شده بود
سردسته علمای بودائی چینی هیوان تسنگ که نامش در خاطرهای
تاریخی افغانستان کسب شهرت زیاد کرده است و از اهل همین شهر بود
در سال ۶۳۱ مسیحی وارد افغانستان شده و بشرحی که همه میدانیم
از قندوز (کهن دژ) و (بلخ) و بامیان و کاپیسی (بگرام) و همد (هیلو)
و غیره گذشته و بعد از مسافرتی به هند مجدداً از دره‌ها و کوه‌های
ممالک ما گذشته و به شهر (سیان) وارد شده است. به یاد بود
مراجعت عالم مذکور معبد و برجی بسیار بلند به ارتفاع تقریباً (۷۰) متر
ساخته اند که امروز علاوه بر اهمیت تاریخی برای مشاهده
مناظر اطراف شهر (سیان) بهترین و بلندترین جایگاهی بشمار
میرود. به فاصله ۴۰ کیلومتری شرق شهر بامیان در شاه زایر چینی مذکور
در آغوش تپه سبز و خرمی قرار دارد و در عرض راه کشتزارهای سرسبز
و تپه‌های خرمی را که صیفه شهر سیان محسوب میگردد تماشا کردیم.
متصل شهر دیگری بنام (لوبان) جایگاه تاریخی دیگری واقع است معروف به
(لاک من) و نقطه مطلوب دره ایست که رودخانه بزرگ از وسط آن میگردد
و در جدار کوه بچه‌ئی که در سواحل غربی رودخانه واقع است مانند با میان
در دل سنگ خارا صدها هزارها موج کننده شده و در دورهای (تانگ)
(سونگ) و بیشتر و بعدتر از آن از حوالی قرن ۵ مسیحی تا حوالی قرن ۸

اثار و هیكل تراشی های قشنگ و نفیسی بنظر میخورد که صدها نکته رد لچسپ
قابل مقایسه با شواهد بودائی باهمین دارد و داخل در جزئیات مطالعات
مبسوط و مقاله های مفصل بکار دارد .

هیئت فرهنگی افغانی در چین نو چیزهای نوی هم دید که حاکی از بیداری
يك ملت بزرگ است و کار و زحمت چند صدملیون نفر را در تحت يك رژیم
واحد و در تحت پلان ها و نقشه های و رسم آن نشان میدهد . چین در طی
چهار و نیم هزار سال تاریخ خود دوره های شکوه و جلال و ملوک الطوائف
و امیر اطوری و خانه جنگی و در بدری و کرسنگی و پراگندگی را گذارانیده
و از ۹ سال با بنظر طرف پاراول در تاریخ طولانی خود تحت رژیم اداری
واحدی در آمده است .

چین نو مشغول تلافی مافات است و چون دوره های بیخبری و غفلت طولانی را
گذرانیده به شدت هر چه تمامتر میخواهد که گذشته را جبران کند
چین کشور زراعتی که حوصله و پشت کار دهقان آن شهرت جهانی دارد
قدم های بزرگ بطرف صنعت بر میدارد . پهلوی هر شهری شهری دیگر از
تراکم کارخانه ها و فابریکه ها و راه پل ها ای کارگران تشکیل شده و به اصول
سبب ساده و بسیط با آب کردن مواد معدنی در کوره های کوچک گلی هر خانواده
دهقان چینی وظیفه دار گردیده قادر افزایش تولید آهن و پوژن سهم بگیرد .

جمهوریت مردم چین در طرح نقشه های وسیع زراعتی ، عمرانی صنعتی يك
ربع جمعیت روی زمین را در خاک پراور چین به جنبش و فعالیت در آورده .
قوه انسانی در بن کشور وزن بسیار سنگینی دارد که کار بسیار ماشین
های ثقیل و وسایل مکانیزه را اجرا میکند . مردم چین زن و مرد شبیه بهم
لباس ساده متحدالشکلی می پوشند . زن چینی مجال آرایش را ندارد . در میان
ملیون ها زن چینی سرخی و سفیده در روی و لب یکی هم دیده نشد . چنین
احساس میشود که زن و مرد مشغول کار و مشغول تعمیر کشور و دینار خود هستند يك
ملت بزرگ و يك توده منظم مردم در وسط قاره آسیا در حرکت و جنبش
آمد و در پیشانی کوشش حیات شخصی و اجتماعی و ملی فرد و جامعه چین
کلمه (فعالیت) خوانده میشود .

شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷